



آزمون ۲۲ اسفند ماه ۹۳

# منحصراً زبان

«پاسخ اختصاصی»

بنیاد علمی آموزشی قلمچی «وقف عام»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین - پلاک ۹۲۳ - تلفن: ۰۲۱-۶۴۶۳

پدید آورندگان



# آزمون منحصرأً زبان

۲۲ اسفند ماه ۹۳

طراحان بر اساس هروف الفبا

نام طراحان	نام درس
سعید بابایوسفی، سپیده پوردیهیمی، مسعود پیربدایی، نسرین خلفی، بهرام دستگیری، حبیب‌الله سعادت، مرجان شیخی، مسعود غایبی، معصومه کشاورز، شهراد محجوبی، بهروز مرادآبادی، محمدرضا معدن‌نژاد، امید یعقوبی‌فرد، علیرضا یوسف‌زاده	زبان تخصصی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	زبان انگلیسی تخصصی
گزینشگر	مرجان شیخی
مسئول درس	_____
گروه ویراستاران	مسعود پیربدایی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	مسعود اعتصامی
مسول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: مریم صالحی مسئول دفترچه: فاطمه فلاح‌پیشه
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی	زهرا کاظم‌پور
ناظر چاپ	علیرضا سعدآبادی

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی «وقف عام»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین - پلاک ۹۲۳ - تلفن: ۶۴۳-۰۲۱

زبان انگلیسی تخصصی

۸۶- (مسعود پیردراقی)

نکته: برای اجتناب از تکرار جملات منفی، بعد از افعال:

“assume, suspect, guess, be afraid, ...”

از “not” استفاده می‌شود. در واقع “I suspect not” برای اجتناب از تکرار “I suspect they will not refund the money.” به کار رفته است.

۸۷- (مسعود پیردراقی)

ترجمه‌ی جمله: «باز دارم نوعی ماده‌ی شیمیایی پیدا کنم تا جلوی (رشد) علف‌های هرز را در باغ بگیرد.»

(۱) ادامه دادن به

(۲) پافشاری کردن در

(۳) جلوی (رشد) چیزی را گرفتن، کنترل کردن

(۴) وفا کردن به

۸۸- (مسعود غایی)

نکته: سؤال ضمیمه‌ی کوتاه در جملاتی که با “I suppose” شروع می‌شوند، هماهنگ با جمله‌ی بعد از آن است و فعل کمکی “don’t” در واقع بار معنایی جمله‌ی بعد را نیز منفی کرده است، بنابراین در سؤال ضمیمه از فعل کمکی “could” که در جمله‌ی دیگر است و شکل مثبت آن، استفاده می‌کنیم.

۸۹- (آزار انسانی - ۸۱)

نکته: با توجه به این‌که زمان فعل در بند شرط گذشته‌ی کامل “had called” است، بنابراین جمله شرطی نوع سوم بوده و در بند جواب شرط به فعل در زمان آینده در گذشته‌ی کامل نیاز است. فعل “avoid” متعدی است و بعد از آن در جمله مفعول به کار نرفته است، بنابراین وجه جمله مجهول است.

۹۰- (مربان شیخی)

نکته: زمان فعل در بند جواب شرط آینده در گذشته‌ی کامل است، در نتیجه جمله شرطی نوع سوم است. در این نوع شرطی، زمان فعل در بند شرط گذشته‌ی کامل است. از آن‌جایی که فعل “sleep” با توجه به مفهوم جمله حالت استمرار دارد، زمان مناسب گذشته‌ی کامل استمراری است.

۹۱- (نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «اگرچه اغلب مبتلایان زنان هستند، نسبت کوچکی در حدود ۵ درصد (آنها)، مردان هستند.»

(۱) مذاکره (۲) نسبت، تناسب

(۳) رویه، طرز عمل (۴) مکانیزم، عملکرد

۸۱- (نسرین فلفی)

نکته: با توجه به این‌که جمله‌ی پایه مثبت است، بنابراین سؤال ضمیمه‌ی کوتاه باید منفی باشد. (دلیل نادرستی گزینه‌ی «۳» در صورتی که “everybody” فاعل جمله باشد، از “they” و به تبع آن از فعل کمکی جمع در سؤال ضمیمه‌ی کوتاه استفاده می‌کنیم.)

۸۲- (شهرار میوه‌پزی)

نکته: برای ساختن عبارت اجتناب از تکرار، جمله‌ی پایه و در نتیجه فعل کمکی مرتبط با آن را مبنا قرار می‌دهیم. (دلیل نادرستی گزینه‌های «۳» و «۴» جمله‌ی پایه مثبت است و با توجه به ساختار “too + فعل کمکی مثبت + فاعل + and + جمله‌ی مثبت”، برای اجتناب از تکرار در جملات مثبت، گزینه‌ی «۱» صحیح است. گزینه‌ی «۲» برای اجتناب از تکرار در جملات منفی به کار می‌رود.)

۸۳- (مربان شیخی)

ترجمه‌ی جمله: «آیا آژانس تبلیغاتی جنس تبلیغاتی جدید را تحویل داده است؟ آن را تا امروز بعدازظهر می‌خواهم.»

(۱) تحویل دادن (کالا) (۲) سر زدن

(۳) ترک تحصیل کردن (۴) سر زدن

نکته: گزینه‌ی «۱» جزء افعال جداشدنی و سه گزینه‌ی دیگر جزء افعال جداشدنی هستند.

۸۴- (مربان شیخی)

نکته: “supposing”، “suppose” و “what if” به معنی «چه می‌شد اگر، فرض کن اگر» است و در جملات شرطی به کار می‌رود. از آن‌جایی‌که زمان بند جواب شرط آینده در گذشته‌ی کامل است، شرطی نوع سوم بوده و زمان بند شرط گذشته‌ی کامل است. (had + p.p.)

۸۵- (مربان شیخی)

نکته: قید منفی ساز “Never” جمله را منفی کرده است، پس در سؤال ضمیمه باید از فعل کمکی مثبت استفاده کرد (دلیل نادرستی گزینه‌های «۲» و «۴»). در ضمن، فاعل و فعل کمکی سؤال ضمیمه با جمله‌ی اصلی مطابقت دارد (در این‌جا “she” و “had” در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۲» نادرست است.)

<p>۹۸- (واژگان و اصطلاحات کانون)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «نگهداری غذا در یک یخچال می‌تواند تا حد زیادی از فساد آن مخصوصاً در هوای گرم جلوگیری کند.»</p> <p>(۱) مصرف (۲) فساد (۳) خوبشاوندی (۴) شور و اشتیاق</p>	<p>۹۲- (مسعود غایبی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «آن زن نسبت به آن چه جامعه راجع به او فکر می‌کرد، کاملاً بی‌تفاوت بود؛ او کلاً (به این موضوع) اهمیتی نمی‌داد.»</p> <p>(۱) ناتوان (با 'of') (۲) نادر، نامعمول (۳) بی‌تفاوت (با 'to') (۴) غیر قابل اجتناب</p>
<p>۹۹- (شهرار ممویز)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «شکایت‌کردن از شرایط هتل فایده‌ای ندارد، ما فقط برای یک شب اینجا هستیم.»</p> <p>(۱) نشان‌دادن، تظاهرات کردن (۲) اتفاق افتادن، رخ دادن (۳) شکایت‌کردن، گلایه کردن (۴) ترجیح دادن</p>	<p>۹۳- (علیرضا یوسف‌زاده)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «علی رغم این که او به ده سال زندان محکوم شد، به خاطر خوش‌رفتاری زودتر آزاد شد.»</p> <p>(۱) متهم کردن (۲) محکوم کردن (۳) آزاد کردن، رها کردن (۴) کش‌دادن، امتداد دادن</p>
<p>۱۰۰- (نسرین فلفی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «مردی مخالفت خود را با بقیه‌ی (اعضای) کمیته با دادن رأی علیه پیشنهاد (مطرح شده) ابراز کرد.»</p> <p>(۱) بیان کردن، ابراز کردن (۲) منقضی شدن (۳) انتظار داشتن، توقع داشتن (۴) استثنا قائل شدن</p>	<p>۹۴- (سعید بابایوسفی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «شما نمی‌توانید در مورد هیچ چیز با او صحبت کنید. او همیشه عقایدش را به دیگران تحمیل می‌کند.»</p> <p>(۱) شامل شدن (۲) تحمیل کردن به (۳) دسترسی داشتن به (۴) نگران ... بودن</p>
<p>۱۰۱- (علیرضا یوسف‌زاده)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «اگر چه انسان‌ها بسیاری از عواطف خود را از طریق کلمات بیان می‌کنند، ما هم چنین احساساتمان را از طریق حالت‌های چهره و حرکات سر و دست منتقل می‌کنیم.»</p> <p>(۱) حمل و نقل کردن (۲) منتقل کردن، فرستادن (۳) قلمه‌زدن، پیوندزدن (۴) حمل و نقل کردن</p>	<p>۹۵- (مسعود غایبی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «روش‌های مدرن فیلم‌سازی از قبیل پرده‌ی عریض و فیلم رنگی، واقع‌گرایی و لذت‌بخشی به بینندگان را ارتقا داده‌اند.»</p> <p>(۱) ثبت‌نام کردن (۲) بهبودبخشیدن، ارتقا دادن (۳) تخمین‌زدن (۴) معاف کردن</p>
<p>۱۰۲- (امیر یعقوبی‌فرز)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «وقتی که قرار است سیاستی جدید مطرح شود، نتایج احتمالی آن در ابتدا باید در نظر گرفته شود.»</p> <p>(۱) گیج کردن (۲) در نظر گرفتن (۳) متصل کردن (۴) تریک گفتن</p>	<p>۹۶- (امیر یعقوبی‌فرز)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «دو کمیته‌ی گذارسازی وجود خواهد داشت: یکی غذاها را خواهد خرید و دیگری آن‌ها را بین مردم توزیع خواهد کرد.»</p> <p>(۱) شکست دادن (۲) توزیع کردن، پخش کردن (۳) جایگزین کردن (۴) موافقت کردن</p>
<p>۱۰۳- (مسعود پیربراقی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «شما می‌توانید هر آن چه دوست دارید، بخورید به شرط این که اعتدال را حفظ کنید.»</p> <p>(۱) اعتدال، میانه‌روی (۲) مدرنیت، نوگرایی (۳) ارائه، سخنرانی (۴) آماده‌سازی</p>	<p>۹۷- (علیرضا یوسف‌زاده)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «هنگام انتخاب کاندیداها، بسیاری از دانشگاه‌ها و کارفرمایان (این موضوع را) در نظر می‌گیرند که آیا متقاضیان در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت کرده‌اند یا خیر.»</p> <p>(۱) پیچیده‌کردن (۲) پافشاری کردن (۳) شرکت کردن (با 'in') (۴) تأیید کردن</p>

<p>۱۱۰- (واژگان و اصطلاحات کانون)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «به منظور منظم کردن فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی، لازم است قوانین جدیدی توسط دولت وضع شود.»</p> <p>(۱) سازگار شدن، وفق دادن</p> <p>(۲) تنظیم کردن، منظم کردن، کنترل کردن</p> <p>(۳) نسبت دادن</p> <p>(۴) به خواب زمستانی رفتن</p>	<p>۱۰۴- (بهر روز مراد آبادی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «ما امیدواریم که قبایل بتوانند اختلافات خودشان را از طریق روش‌های صلح‌جویانه حل و فصل کنند.»</p> <p>(۱) نگه‌داشتن، حفظ کردن</p> <p>(۲) افزایش دادن</p> <p>(۳) حل و فصل کردن، ساکن شدن</p> <p>(۴) منقبض کردن، قرارداد بستن</p>
<p>۱۱۱- (نسرین فلفلی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «او به مناسبت سالگرد ازدواج مری تبریکش را ابراز کرد.»</p> <p>(۱) مورد، نمونه، مثال</p> <p>(۲) موقعیت</p> <p>(۳) وضعیت، شرط</p> <p>(۴) مناسبت، فرصت</p>	<p>۱۰۵- (بهرام دستگیر)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «پس از نجات یافتن از حادثه، بسیاری از افراد متعاقباً جان خود را از دست دادند زیرا گروه نجات در یافتن محل هواپیما مشکل داشت.»</p> <p>(۱) متعاقباً</p> <p>(۲) سابقاً</p> <p>(۳) به طور مصنوعی</p> <p>(۴) به طور عمدی، عمداً</p>
<p>۱۱۲- (واژگان و اصطلاحات کانون)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «کارآگاه‌ها ساعت‌ها از او بازجویی کردند و به دنبال تناقض‌هایی در داستانش می‌گشتند.»</p> <p>(۱) تحقیق کردن، بررسی کردن، به دنبال گشتن</p> <p>(۲) شامل شدن، دربرداشتن (با "of")</p> <p>(۳) ارجاع دادن، اشاره کردن (با "to")</p> <p>(۴) وقف کردن، اختصاص دادن (با "to")</p>	<p>۱۰۶- (مربان شیخی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «بخش فنی آقای اسمیت را استخدام کرد زیرا او در استفاده از کامپیوترها خبره بود.»</p> <p>(۱) بی‌اهمیت، ناچیز</p> <p>(۲) مضحک</p> <p>(۳) ناقص، ناکافی</p> <p>(۴) خبره، ماهر</p>
<p>۱۱۳- (نسرین فلفلی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «گزارش اشاره‌ی مستقیمی به اعضای خاص دولت داشت.»</p> <p>(۱) آزمایش</p> <p>(۲) اشاره، مرجع</p> <p>(۳) تجربه</p> <p>(۴) راه حل</p>	<p>۱۰۷- (مربان شیخی)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «در تلاش برای به کار بردن فضای هر چه کمتر، موفق شدم ده صفحه جزوه را در چهار پاراگراف خلاصه کنم.»</p> <p>(۱) مظنون شدن، شک کردن</p> <p>(۲) خشمگین کردن</p> <p>(۳) خلاصه کردن، فشردن</p> <p>(۴) تمجید کردن</p>
<p>۱۱۴- (امیر یعقوب فر)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «آن دزد مدارک (موجود) را در قفسه‌ی بایگانی او بر هم زده بود، اما چیزی برده نشده بود.»</p> <p>(۱) توزیع کردن، پخش کردن</p> <p>(۲) اخراج کردن</p> <p>(۳) برهم زدن، آشفتن کردن</p> <p>(۴) نمایش دادن، نشان دادن</p>	<p>۱۰۸- (علیرضا یوسف‌زاده)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «ترخ‌های بالای تورم می‌تواند به طور قابل توجهی قدرت خرید افراد با درآمد ثابت را به تدریج تحلیل دهد.»</p> <p>(۱) بهبود یافتن، تسکین دادن</p> <p>(۲) جان سالم به در بردن، زنده ماندن</p> <p>(۳) تحلیل دادن، فرسایش دادن</p> <p>(۴) آغاز کردن، ارسال کردن، به فضا فرستادن</p>
<p>۱۱۵- (مهمربنا معین‌نژاد)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «کالاهای کارخانه‌ای فراوان هستند، اما محصولات کشاورزی کمیاب هستند.»</p> <p>(۱) محکم</p> <p>(۲) کمیاب</p> <p>(۳) شهری</p> <p>(۴) خالی</p>	<p>۱۰۹- (واژگان و اصطلاحات کانون)</p> <p>ترجمه‌ی جمله: «این قرارداد، شرکت را در یک موقعیت منحصر به فرد برای صادرات کالا به اکثر کشورهای خاورمیانه قرار خواهد داد.»</p> <p>(۱) منحصر به فرد</p> <p>(۲) (فرد) اجتماعی</p> <p>(۳) رک، صریح، صادق</p> <p>(۴) مضحک، خنده‌دار</p>

- A: جیمز چشم‌های پف‌کرده به‌نظر می‌رسد، چه شده است؟  
 B: دیشب چشم روی هم گذاشتم.  
 A: ذهنت درگیر چیزی بود؟ خیلی نگران به‌نظر می‌آیی، شاید بتوانم کمکت کنم.  
 B: خُب تحت فشار زیادی هستم، رئیس‌م به‌شدت مصر و سخت‌گیر است. سه تا پروژه به من محول کرده.  
 A: کمکی از دست من ساخته است؟  
 B: خُب گمان کنم فقط خودم بتوانم به خودم کمک کنم. در حال حاضر فقط نیاز دارم با کسی حرف بزنم تا استرسم از بین برود.

- (امیر یعقوب فرزند) ۱۲۲-  
 (۱) چشم بر هم گذاشتن، خوابیدن (۲) هوشیار بودن، مواظب بودن  
 (۳) قادر به بیدار ماندن نبودن (۴) هم‌عقیده بودن

- (امیر یعقوب فرزند) ۱۲۳-  
 عبارت "have sth on your mind" به معنای «در سر چیزی داشتن» است.

- (امیر یعقوب فرزند) ۱۲۴-  
 (۱) سمج، سخت‌گیر، پیگیر (۲) عالی، بدون نقص  
 (۳) غیررسمی، خودمانی (۴) رک، صریح

- (امیر یعقوب فرزند) ۱۲۵-  
 (۱) در آخرین لحظه (۲) هر لحظه  
 (۳) در یک لحظه (۴) در حال حاضر

- (معصومه کشاورز) ۱۲۶-  
 (۱) شرح دادن، وصف کردن (۲) نابود کردن، تخریب کردن  
 (۳) حفظ کردن (۴) اغراق کردن

- (معصومه کشاورز) ۱۲۷-  
 (۱) غیرقابل اجتناب (۲) مالی  
 (۳) مایل، مشتاق (۴) محبوب

- (معصومه کشاورز) ۱۲۸-  
 (۱) جست‌وجو کردن (۲) اتفاق افتادن  
 (۳) پیدا کردن معنی لغت در فرهنگ (۴) شبیه بودن

- ۱۱۶- (امیر یعقوب فرزند)  
 ترجمه‌ی جمله: «آن‌ها ادعا می‌کردند که او جنایت را مرتکب شده بود، اما شواهد کافی وجود نداشت که وی را محکوم کرد.»  
 (۱) شکستی، شکننده (۲) راضی، خشنود  
 (۳) انعطاف‌پذیر (۴) کافی

- (علیرضا یوسف‌زاده) ۱۱۷-  
 ترجمه‌ی جمله: «برای ما بیش از حد کار وجود داشت که از عهده‌ی آن برآییم.»  
 (۱) از عهده برآمدن  
 (۲) به دست‌آوردن، انجام دادن  
 (۳) انجام دادن، به دست‌آوردن  
 (۴) از عهده برآمدن (با "with")

- (مسعود غایی) ۱۱۸-  
 نکته: بعد از افعال پیشنهادی از قبیل "insist, demand, ..." در صورتی‌که جمله قرار گیرد، بعد از فاعل، فعل به صورت مصدر بدون "to" به کار می‌رود.  
 عبارت "at the latest" به معنای «حداکثر (از نظر زمان)» است.

- (سراسری منقصر آ زبان- ۱۸۵) ۱۱۹-  
 نکته: عبارت "take care of sb/sth" به معنای «مراقبت کردن از کسی/ چیزی، از عهده برآمدن» است. عبارت "on condition that" به معنای «به شرطی که» است. عبارت "in advance" به معنای «پیشاپیش» است.

- (نسرین ثلثی) ۱۲۰-  
 نکته: به عبارت "spend time doing sth" توجه کنید. "so that" ربط دهنده‌ی هدف و منظور است و بعد از آن معمولاً یک جمله‌ی کامل (... + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل) به کار می‌رود. فعل کمکی در این جمله باید از نظر زمانی با فعل جمله‌ی پایه مطابقت داشته باشد.

- (پورام دستگیری) ۱۲۱-  
 نکته: به عبارت "as long as" به معنای «تا آن جایی‌که» توجه کنید. ضمیر موصولی "who" در گزینه‌ی «۲» اضافی است. کاربرد کلمه‌ی "more" در گزینه‌ی «۴» نادرست است. بعد از فعل "continue"، فعل دوم به صورت مصدر با "to" و یا اسم مصدر "ing + فعل" به کار می‌رود.

benefit: فایده، بهره، سود	integrate: ادغام کردن، تلفیق کردن
reap: به دست آوردن	perspective: چشم انداز، دورنما
property: دارایی، ویژگی، خصوصیت	consider: در نظر گرفتن
advantage: مزیت، برتری	practical: عملی، کاربردی
accuracy: دقت، صحت، درستی	strive: کوشیدن، اهتمام ورزیدن
anticipate: انتظار داشتن، توقع داشتن	limitation: محدودیت
pilot: خلبان	commercial: بازرگانی، تجاری
allocate: اختصاص دادن	funds: بودجه

۱۳۶- (عیب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "attempt" در سطر چهارم که زیر آن خط کشیده شده نزدیک‌ترین معنی را به "try" (تلاش کردن، سعی کردن) دارد.»

۱۳۷- (عیب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «بهترین عنوان برای این متن «راهنمای علم هواشناسی» است.»

۱۳۸- (عیب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «پیش‌بینی‌های هواشناسان سینوپتیک مستقیماً براساس پیش‌بینی و مطالعه‌ی نقشه‌های آب و هوایی است.»

۱۳۹- (عیب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «به کدام یک از (موارد) زیر از طرف نویسنده، به عنوان زمینه‌ای که نیازهایش توسط پیش‌بینی آب و هوا برآورده می‌شود، اشاره نمی‌شود؟»  
«ورزش»

۱۴۰- (عیب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «نویسنده (تویحاً) اشاره می‌کند که دقت زیاد در پیش‌بینی (آب و هوا) منجر به حفاظت بیش‌تر از زندگی بشر خواهد شد.»

۱۲۹- (معمومه کشاورز)

- (۱) با این وجود  
(۲) به طور متوسط  
(۳) درغیر این صورت  
(۴) برعکس

۱۳۰- (معمومه کشاورز)

نکته: "on" حرف اضافه‌ی مناسب برای فعل "focus" است.

۱۳۱- (معمومه کشاورز)

- (۱) متعجب بودن  
(۲) جست‌وجو کردن  
(۳) مقایسه کردن  
(۴) وقف کردن، اختصاص دادن

۱۳۲- (معمومه کشاورز)

- (۱) تحت تأثیر قرار دادن  
(۲) تحمیل کردن  
(۳) بهبود بخشیدن  
(۴) اشاره کردن

۱۳۳- (معمومه کشاورز)

- (۱) دخالت کردن  
(۲) تحت تأثیر قرار دادن  
(۳) آلوده کردن  
(۴) دربرداشتن، شامل کردن

۱۳۴- (معمومه کشاورز)

نکته: با توجه به این که ضمیر موصولی به شخص در حالت فاعلی اشاره دارد گزینه‌ی «۱» صحیح است.

۱۳۵- (معمومه کشاورز)

- (۱) سود، منفعت  
(۲) زیان، ضرر  
(۳) کاستی  
(۴) تحقیق

معنای کلماتی از متن:

meteorology: هواشناسی	numerous: متعدد
approach: نزدیک شدن، ره یافتن به	application: تقاضا، کاربرد
direction: مسیر، سمت، طرف	overestimate: زیاد بها دادن
appreciate: قدردانی کردن، درک کردن	aviation: هوانوردی
vantage point: نقطه نظر، دیدگاه	professional: حرفه‌ای

معنای کلماتی از متن:

incandescent: التهاپی، فروزان	demand: تقاضا
power station: نیروگاه	account for: به حساب آمدن
supply: تهیه، تأمین	percent: درصد
reserve: ذخیره	desirable: مطلوب
a host of: انبوهی از	emission: انتشار (گاز، نور، صدا)
appeal: درخواست، تقاضا، جذابیت	ameliorate: بهبود بخشیدن
purely: صرفاً، مطلقاً	perspective: چشم انداز، دید، دورنما
revolutionary: انقلابی، بنیادی	intend: قصد داشتن
complicated: پیچیده	substitute: جایگزین
generate: تولید کردن	plant: کارخانه، نیروگاه
remain: باقی ماندن	associate with: مرتبط بودن با
disposal: انهدام	facility: اتاق ویژه
restore: بازگرداندن، احیا کردن	nuclear: هسته‌ای

۱۴۵-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «باران اسیدی برای کدام یک از دلایل زیر در متن ذکر می‌شود؟»  
«باران اسیدی یک مشکل زیست‌محیطی مرتبط با کاربرد زغال سنگ است.»

معنای کلماتی از متن:

pollutant: آلاینده	extensive: وسیع، گسترده
compound: ترکیب	lengthen: طولانی کردن
affect: تأثیر گذاشتن	vapor: بخار
detectable: قابل تشخیص	purification: خالص‌سازی، تصفیه، پالایش
scheme: نقشه، برنامه، طرح	dominant: مسلط، غالب، بارز
temporarily: به طور موقت	appear: ظاهر شدن
adversely: به طور معکوس، به طور منفی، به طور نامطلوب	

۱۴۶- گزینه‌ی «۱»

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «کدام‌یک از (موارد) زیر به بهترین نحو توسط متن مورد حمایت قرار می‌گیرد؟»

«به منظور کنترل مؤثر آلودگی، دولت‌های محلی باید به طور منظم قوانین (مربوط به) آلودگی هوای خود را بازنگری کنند.»

۱۴۷-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «می‌توان از پاراگراف اول استنباط کرد که تعریف آلودگی هوا به تغییر ادامه خواهد داد.»

۱۴۸-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "altered" در سطر ۱۰ که زیر آن خط کشیده شده نزدیک‌ترین معنی را به "changed" (تغییر یافتن، عوض کردن) دارد.»

۱۴۹-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، ارزش عددی میزان تراکم یک ماده تنها در صورتی مفید است که میزانی که به طور طبیعی وجود دارد نیز مشخص باشد.»

۱۵۰-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "noxious" در سطر ۱۵ که زیر آن خط کشیده شده نزدیک‌ترین معنی را به "toxic" (سمی) دارد.»

۱۴۱-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «ایده‌ی اصلی متن چیست؟»

«نیروگاه‌هایی که با زغال سنگ کار می‌کنند منبع مهمی از برق در ایالات متحده هستند و احتمالاً همین طور باقی می‌مانند.»

۱۴۲-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «می‌توان از متن استنباط کرد که زغال سنگ منبع اصلی برق در ایالات متحده شد زیرا آن نسبتاً فراوان و ارزان بود.»

۱۴۳-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «به نظر نویسنده، اهمیت برق تولید شده توسط زغال سنگ برای کدام‌یک از دلایل زیر می‌تواند در آینده افزایش یابد؟»  
«در دسترس بودن سوخت‌های دیگر در آینده نامشخص است.»

۱۴۴-

(سپیده پورنوبینی)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "consumed" در سطر هفتم که زیر آن خط کشیده شده نزدیک‌ترین معنی را به "used" (استفاده کردن) دارد.»